



آیت الله سبحانی: نظریه مخالف دین بدون نقد تدریس نشود/ نمی‌خواهیم در علم را ببندیم

آیت الله سبحانی با بیان اینکه اسلامی کردن علوم انسانی به معنای بستن درها نیست، تأکید کرد: اگر نظریه ای با مبانی دینی مخالف بود، نباید بدون نقد، جزء مواد درسی دانشگاه قرار گیرد.

آیت الله سبحانی با بیان اینکه اسلامی کردن علوم انسانی به معنای بستن درها نیست، تأکید کرد: اگر نظریه <shy>ای با مبانی دینی مخالف بود، نباید بدون نقد، جزء مواد درسی دانشگاه قرار گیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، اخیراً دیدگاه <shy>هایی در باب مخالفت با اسلامی شدن دانشگاه <shy>ها و علوم انسانی منتشر شده است، محمد محمدرضایی، استاد فلسفه دین دانشگاه تهران با آیت الله سبحانی، از مراجع تقلید گفتگویی در باب اسلامی شدن دانشگاهها و علوم انسانی و مخالفت برخی با این امر، انجام داده است و در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است. متن پاسخ آیت الله جعفر سبحانی به پرسش دکتر محمدرضایی را در ادامه می خوانید؛

با عرض تشکر از عنایات جناب <shy>عالی نسبت به مسایل دینی و فرهنگی. اسلامی شدن دانشگاه <shy>ها را حضرت امام (قدس <shy>سره) مطرح کردند. مقصود این است که ارزش <shy>های اسلامی در محیط دانشگاه در ابعاد مختلف آن حاکم باشد. محیط دانشگاه، یک محیط علمی و دینی شود. خدای ناکرده، شرایط حاکم بر دانشگاه <shy>ها، مخالف ضوابط اسلامی نباشد، زیرا هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، تربیت انسان <shy>های الهی است. هدف از بعثت پیامبر مکرم اسلام(ص) اکمال فضایل و مکارم اخلاق است و در قرآن می <shy>خوانیم اقرا باسم ربک، علم و آموزش باید جهت <shy>دار باشد و جهت آن اسم رب و توجه به خداوند متعال است. مسلماً اگر فارغ التحصیلان دانشگاه <shy>ها، افراد عالم، متدین و متعهد و در خدمت اسلام و مسلمانان باشند، در آن صورت هم خود به سعادت می <shy>رسند و هم سعادت ملت و استقلال کشور تامین می <shy>گردد. در نتیجه آنان الگویی برای همه دانشگاه <shy>ها خواهند بود.

اسلامی کردن علوم انسانی به معنای بستن درها به روی دیگر اندیشه ها نیست

اما اسلامی کردن علوم انسانی، البته به این معنا نیست که تمام اندیشه ها و نظریات اندیشمندان جهان کنار گذاشته و درهای کشور را به روی خود ببندیم و فقط از مدارک اسلامی مسایل علوم انسانی را استخراج نماییم و یک چنین تفسیری کاملاً خطا و مقصود مدافعان این نظر، چنین نیست. بلکه هدف این است که ضمن بهره <shy>گیری از افکار و نظریات دانشمندان جهان در تمام قلمروهای علوم انسانی اعم از مدیریت، روان شناسی جامعه شناسی و دیگر مسایل فلسفی و اخلاقی و اعتقادی، اگر نظریه <shy>ای صد در صد با اصول و مبانی و نظریات مسلم دینی مخالف بود، مورد نقادی قرار گیرد، البته بدون نقد نباید جزء مواد درسی دانشگاه قرار داده شوند.

طرح نظریات غربی بدون نقد، مطلوب نیست

اگر ناگزیر از طرح آن هستیم باید استاد مربوطه آن چنان توانایی داشته باشد که بعد از طرح و بررسی آن به نقد آن بپردازد. در غیر این صورت طرح چنین نظریاتی بدون نقد، مطلوب اسلام نیست و جامعه دینی نیز از دانشگاه <shy>ها می <shy>خواهند که ذهن جوانان را انباشته از این نظریات نادرست و مخالف اسلام نکنند و اگر هم باید طرح شود همراه نقد و بررسی صورت گیرد و نیز در کنار این نظریات باید، نظریات صحیح که بر اساس مبانی دینی مسلم استوار است مطرح گردد.

برای روشنی مطلب، چند مثال را مطرح می <shy>نمایم:

۱- در مساله انسان شناسی و در موضوعات مختلف هنوز مساله تکامل انواع و اشتقاق انسان از حیوان به نحوی که داروینسم تشریح می <shy>کند، در دروس دانشگاهی تدریس می <shy>شود. البته بعد از آن، نظریات دیگری مطرح شده است. آیا تدریس این موضوعات بدون نقد و بررسی صحیح است؟ آیا صحیح است که این نظریات ثابت نشده را به اسم علم بما هو علم به ذهن دانشجویان تحمیل کنیم؟ البته مقصود کنار گذاشتن این نظریه از موارد درسی نیست بلکه طرح این نظریه همراه با نقد و بررسی آن می <shy>باشد. در ضمن باید دیدگاه صحیح اسلامی را نیز در کنار آن مطرح نماییم تا دانشجویان با دیدگاه <shy>های اسلامی نیز آشنا شوند نه این که یک جانبه فقط همان <shy>ها را به

۲- در باب خاستگاه ایمان و اعتقاد به ماوراء طبیعت، برخی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر مبنای اصول ماتریالیسم، فرضیاتی مطرح نموده‌اند که به هیچ وجه صحیح نیست به عنوان نمونه نظریه فروید است که بر مبنای غریزه جنسی، تمایلات انسان به امور ماوراء طبیعت را توجیه می‌کند و حال آن که فلسفه اسلامی برای ریشه‌یابی این موضوع بر نظریه فطرت تأکید می‌کند؛ نماینده دلایل کافی و وافی در این مساله وجود دارد، یعنی ندایی که انسان آن را از درون بدون آن که از آموزگاری آموخته یا تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بوده باشد، می‌شنود. اساتیدی که نظریه فروید و امثال آن را مطرح می‌کنند حتماً باید آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهند.

۳- در قلمرو اقتصاد هم هنوز دو نظریه به صورت قضیه منفصله مطرح است: گروهی سود را نتیجه سرمایه دانسته و برای عامل فعال سهمی قایل نبوده و یا سهمی کمتر؛ اما در مقابل آن، نظریه عامل و کارگر مطرح بوده که درآمدها و سرمایه مال عامل و کارگر است. نظریه نخست از آن نظریه سرمایه‌داری و داری و نظریه دیگر از آن سوسیالیسم است. در حالی که اسلام برای هر دو نقشی در ثروت‌آفرینی قائل است و تصویب مضاربه و مزارعه گواهی بر این مطلب است، البته ما این مثال‌ها را به عنوان تقریب به ذهن می‌گوییم والا مساله عمیق‌تر از این‌هاست.

در پایان از مسئولان محترم به ویژه ریاست جمهوری، شورای انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات فناوری، شورای تحول علوم انسانی، و اساتید متعهد دانشگاه‌ها درخواست می‌شود نسبت به این موضوع عنایت بیشتری داشته باشند حتی می‌توانند برای تحقق این ایده از اساتید حوزه و عالمان بزرگ که در این رشته‌ها نظریات دارند، بهره‌مند گردند.